

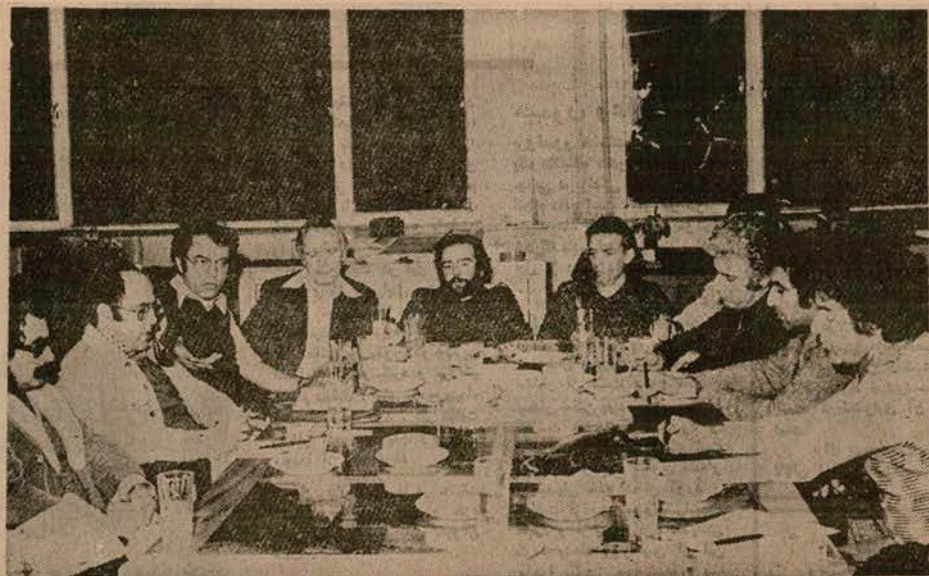
نشستی با گروه آزاد

گفت و گو با گروه آزاد نقاشان و مجسمه سازان

شهرزاد اصولی

به گاه برگزاری پنجمین نمایشگاه گروه آزاد به نام گنج و گستره «۲» در نگارخانه سامان به دیدارشان (گروه آزاد) رفتیم.

میهمانان این نمایش: هانیبال الخاص، بهزاد حاتم و محمد صالح علا
اعضای گروه: مارکو گریگوریان، فرامرز پیلارام، عبدالرضا دریابیگی، غلامحسین نامی،
مرتضی ممیز، سیراک ملکنیان و مسعود عربشاهی.
حاصل این دیدار گفت و گویی است که با عده ای از این هنرمندان داشتیم.



از راست به چپ: نامی - عرشاهی - بیل آرام - دریابگی - شیوا - گریگوریان - معزز - مجابی محمدی.

● چه انگیزه‌ای باعث شد که اقدام به تشکیل این گروه نمایید؟

گریگوریان: می‌توانم بگویم انگیزه اصلی کنار گذاشتن بوم و سه پایه و رنگ و روغن بوده است. می‌دانیم که نقاشی به رنگ و بوم معروف است و ما خواستیم که بعد دیگری از نقاشی مطرح نماییم و با استفاده از مصالح جدید قدمی فراتر برداریم. کار این گروه به طور کلی مطرح کردن و بیان تجربیات محیط زندگی، زمان، مصالح جدید و سرعت می‌باشد، که هر یک از اعضای گروه در مسیر فکری خودش آن را بازگو می‌کند. مثلاً من در کارم، در این نمایشگاه، خشت خام را که یکی از مصالح قدیمی است در مقابل یک ساختمان بتونی امروزی گذارده‌ام. قصد من از این کار یادآوری گذشته‌ای است که هم برای من و هم برای تماشاگر کارم مطرح می‌باشد. به این ترتیب بین گذشته و حال مقایسه‌ای پیش می‌آید و تماشاگر خودش نتیجه‌ای خواهد گرفت.

نامی: در هر جامعه تشکیل هر گروه با نهضت هنری بستگی به عواملی دارد. عواملی که باعث تشکیل گروه آزاد شد، در حله اول تفرق و جدایی هنرمندان ایرانی بود از یکدیگر و این‌که ما چند نفر می‌خواستیم که تجربه‌گر باقی بمانیم. این حالت تجربه‌گر بودن باعث دوره‌م‌آبی شد، البته دلایل دیگری نیز وجود دارد که یکی از مسئله نگارخانه‌ها است. همه ما به نوعی از رابطه با نگارخانه‌ها در عذاب بودیم، زیرا ضابطه صحیحی بین این دو وجود ندارد. در این مورد اعضای گروه متحدالفکر بودند. به هر حال گروه ما تا آخرین روزی که وجود داشته‌باشد، تجربه‌گر خواهد بود.

دریابیگی: هدف ما به طور کلی نوآوری در هنر معاصر خودمان در ایران بود. بعد از صحبت‌هایی که با اعضای گروه داشتیم به این نتیجه رسیدیم که در عین حال که هر کدام مسیر خاصی داریم، می‌توانیم در این هدف مشترک باشیم و همکاری نماییم و همین دلیل جمع شدن ما شد و توانستیم این گروه را به وجود بیاوریم. تجربیاتی که ما در کارهای خودمان داشتیم، برایمان خیلی مهم بود. در کارهایمان فقط این مسئله مهم نبود که روی آثار هنری، تجربیاتی بدست بیاوریم و آن را عرضه کنیم، بلکه خواستیم جنبشی هم در اجتماع هنری معاصر پدید آوریم و با دیدن آثارمان توسط دیگران، فکر نوجویی در آن‌ها نیز تقویت شود. در ضمن احساس می‌کردیم که در محیط ما جای این جنبش‌ها خالی است، این بود که در گروه ما، هرکس در زمینه کاری خودش این مهم را آغاز نمود.

پیلارام: ما خواستیم که از غالب همیشگی خارج شده و حرف‌هایمان را با مضامین جدیدی بگوییم و این خود باعث شد که هرکسی در روال کار خودش همگام گروه باشد. مثلاً اگر یکی از اعضای گروه همیشه به صورت سطح کار می‌کرد، این کار گروهی وادارش کرد که به صورت حجم کار کند و خودش هم فکر نمی‌کرد که به این سرعت در کارش تحرک ایجاد شود. به هر حال این نوآوری مثبت، توسط این گروه انجام شده و تقریباً موفق هم بوده و در آینده هم همین روش را ادامه خواهیم داد.

● گروه شما به طور کلی فلسفه و نظریه خاصی را در هنر دنبال می‌کند؟

گریگوریان: همان‌طور که اشاره شد، مطرح کردن بعد جدید، استفاده از مصالح جدید در کار، خارج شدن از کادر بوم و ایجاد حجم، به هر حال فلسفه کار ماست. به همین دلیل است که کار گروه بیشتر جنبه مجسمه‌سازی دارد، زیرا احتیاج به بعد می‌باشد. هدف ما که جست‌وجوی محیط و زمان حال است به وسیله تجسم حجمی، بهتر بیان می‌شود.

● عقیده شما درباره رابطه هنرمندان با نگارخانه‌ها چیست؟

گریگوریان: اصولاً در همه جای دنیا مرسوم است که برای هر موضوعی یک نگارخانه وجود داشته باشد. مثلاً یک نمایشگاه برای کارهای اصیل از نقاشان بزرگ، یکی برای کپی از کار نقاشان، دیگری فقط نوآوری می‌کند، یکی نیز صرفاً جنبه تجارتي دارد و به هر حال هر یک نسبت به برنامه کار خود برنامه‌اش را تنظیم می‌کند، ولی در ایران اگر بخواهیم درباره همین چند گالری حرف بزنیم کمی زود است. این‌ها همه کاری را شروع کرده‌اند که در اصل تجارتي است، ولی بالاخره راه خودشان را باز خواهند یافت و جنبه تخصصی پیاده می‌نمایند.

● میهمان‌های گروه شما تحت چه ضوابطی انتخاب می‌شوند و با چه معیاری ارزیابی می‌شوند؟

گریگوریان: به این ترتیب که اگر کسی بعد از دیدن کارهای ما تمایل به همکاری با گروه را داشت، به ما اطلاع می‌دهد و یا ما کسی را تشخیص دادیم با هدف گروه، همگام و موافق است، دعوت می‌کنیم. به هر حال این مسئله‌ای دو جانبه است.

دریابگی: ممکن است یکی از اعضای گروه کسی را معرفی کند و همه او را دیده و کارش را مورد ارزیابی قرار داده و سپس پذیرفته می‌شود، ولی ما در آتیه تصمیم داریم که بیشتر از جوان‌ها دعوت نماییم، و یا نمایشگاهی که فقط از کار میهمان‌ها ترتیب داده شده باشد و در کنارش یکی دو کار هم از اعضای گروه.

● چرا در گروهتان از هنرمندان خارجی دعوت نمی‌کنید؟

گریگوریان: در نمایشگاه بعدی از نقاشان خارجی دعوت خواهیم نمود، همچنین در آینده نمایشگاه‌هایی خواهیم داشت که مربوط به میهمانان خواهد بود.

پیلارام: برای چنین کاری لازم است که دستگاہی با ما همکاری داشته باشد، ولی از آنجایی که این گروه، از آغاز بدون کمک گرفتن از جایی تشکیل شد و ادامه یافت، ما ترجیح می‌دهیم که خودمان در این زمینه اقدام کنیم.

دریابگی: این یک مقدار به خاطر اشکالات مالی است، یعنی حتی از نظر بیمه نیز ما باید از طرف سازمانی معرفی شویم.

● آیا میهمان‌هایی که در این نمایشگاه شرکت کرده‌اند، واقعا در مسیر فکری شما بودند؟

گریگوریان: بله بودند. چنان‌که دیدید، در میان میهمانان ما تئاتری و یا نویسندگی نیز بود. به هر حال ممکن است که در نمایشگاه بعدی، ما از یک شاعر یا یک آرشیتکت دعوت کنیم. یا حتی اگر کسی قادر به ساختن حجم نباشد فلسفه‌اش را به صورت گفتار مطرح نماید و این از نظر گروه هیچ اشکالی ندارد، البته به شرط آن‌که در مسیر اثبات هدف ما باشد.

● رابطه هنرمندان با نگارخانه صمیمی است؟

گریگوریان: به عقیده من خیر، ولی بالاخره گالری دارها متوجه خواهند شد و امکانات بیشتر در اختیار هنرمندان قرار خواهند داد.

دریابیگی: البته در کار گروهی ما همکاری نگارخانه‌ها را نباید نادیده گرفت، ولی چندان دلچسب نبوده است. به طور کلی نگارخانه‌ها تا حدی برای تکثیر نقاشی و مجسمه‌سازی و بهبود وضع هنری موثر بوده‌اند، در ضمن از طرف شورای عالی فرهنگ و هنر کارهایی صورت می‌گیرد. مثلاً برای شروع همین مسئله نام گالری که به نگارخانه تغییر یافته است.

● شما فکر می‌کنید که مردم تا چه اندازه کار شما را درک می‌کنند؟

پیلارام: این بستگی دارد به این که مردم تا چه حدی خودشان را در این کارها حل کنند. مثلاً اگر از یک تماشاچی سوال شود که آیا از کار صالح علاء (یکی از میهمانان گروه) خوشش آمده؟ ممکن است پاسخ دهد که به عنوان یک نوآوری خوب است، ولی همین پرسش را شاید کس دیگری چنین جواب بگوید: مگر ممکن است در کفش گل سبز شود؟ شاید به مرور زمان همه به یک سطح برسند و به هر حال باید از جایی شروع کرد تا به تدریج مردم عادت کنند.

دریابیگی: مسئله این است که استنباط آن‌ها از هنر چه باشد و این پدیده‌ها را به عنوان نوآوری بپذیرند. هنرمند باید کارش را انجام دهد و نباید وقتش را برای توضیح دادن و حرف زدن از دست بدهد. این وظیفه مسائل ارتباط جمعی است که پلی میان هنرمند و مردم ایجاد نمایند.

● چرا فعالیت شما فقط در تهران است و به شهرستان‌ها و خارج کشور نمی‌روید؟

پیلارام: ما تمایل داریم که در شهرستان‌ها و خارج نیز نمایشگاه داشته باشیم، ولی از فعالیت این گروه فقط دو سال و نیم گذشته و ما تصمیم داریم که اول وضع خودمان را در تهران تثبیت بنماییم و بعد فعالیتمان را در سطح خارج از ایران گسترش بدهیم. البته در مورد خارج لازم‌اش این است که اول از خارج کسی را دعوت کنیم، و البته نه به طور انفرادی، بلکه بیشتر از گروه‌ها دعوت خواهیم نمود.

نامی: ما در مورد خارج سعی می‌کنیم، ولی کار ساده‌ای نیست. نمایشگاهی که هم اکنون در تهران بر پا می‌کنیم برایمان مخارجی دارد و اگر در خارج باشد به مراتب بیشتر خواهد بود. در مورد شهرستان‌های ایران نیز ما موافقیم، اما این وظیفه دستگاهی است که مسئول می‌باشد.

● شما اصلاً این پیشنهاد را داده‌اید؟

نامی: بله، ولی هنوز در این مورد اقدامی نشده است.

● چرا با مجله هنر و معماری همکاری نمودید؟

پیلارام: به هر حال ما ناچاریم که از طرف سازمانی کمک شویم و این مجله که خودش فعالیت‌های هنری دارد و از نشریات بسیار خوب هنری است این همکاری را به عهده گرفت و اعضای گروه بسیار خوشحالند. دریابگی: همین‌طور است، زیرا هدف مجله هنر و معماری نیز چیزی جز این نبوده، این مجله همواره سعی داشته که گوشه‌های معماری و سایر هنرهای ناشناخته این مرز و بوم را به مردم نشان دهد و در واقع هدف مشترکی داریم، به همین دلیل این استقبال دو جانبه بود و امیدواریم که ادامه داشته باشد.

● به عقیده شما مردم جامعه ما کارها و نوآوری این گروه را درک می‌کنند و اگر چنین نیست چه طور می‌خواهید با آن‌ها رابطه برقرار سازید؟

نامی: این سوال ریشه‌داری است و مقدمه زیادی می‌خواهد. مثلاً چرا به‌طور کلی سطح اطلاعات هنر مردم تا حدی پایین است و چه بکنیم که بالا برود و اصولاً وظیفه هنرمند در مقابل جامعه چیست؟ به‌طور خلاصه اشاره می‌کنم هنرمند همیشه احساسش را بیان می‌کند و این احساس کاملاً فردی است، در عین حال که انگیزه‌های خلاقیتش از جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. هنرمند اثرش را عرضه می‌کند، ولی ممکن است که مردم آن را نفهمند و در اینجاست که به عقیده من هنرمند فردگراست، یعنی اول به خواسته‌های خودش فکر می‌کند و بعد اگر سطح آگاهی هنری جامعه در حدی بود که به زبان هنری این هنرمند آشنایی داشت، حرف او را می‌فهمند، ولی اگر نداشت آن را نمی‌فهمند. بدین ترتیب اشکال ایجاد می‌شود و مردم اعتراض می‌کنند که چرا نباید بفهمیم، اما هیچکس نیست که از آن‌ها بپرسد که شما چرا سعی و تلاشی برای پیشرفت ذهن خود و رسانیدن خود به هنرمند از طریق دیدن نمایشگاه، مطالعه و شرکت در بحث و گفت‌وگوها نمی‌کنید. از طرفی در هیچ زمان و مکانی این وظیفه هنرمند نبوده که مردم را به‌زور به طرف خود بکشاند. در اکثر نقاط دنیا از طریق تبلیغات، کتاب و مجله و رسانه‌های گروهی، مردم را آگاه می‌کنند که متأسفانه در این‌جا به این مسئله توجهی نمی‌شود.

● چه عاملی باعث همکاری شما به‌عنوان میهمان با این گروه گردید؟

حاتم: در وهله اول، پاسخ به دعوت گروه، و این مسئله که هدف گروه با فکر من بسیار نزدیک بود.

● شما در کارتان فلسفه خاصی دارید؟

حاتم: شدیداً، من فکر می‌کنم که به دلیل نیاز شخصی خودم و نیاز همه، این مسئله پیش آمده که هنر نقاشی از چارچوب همیشگی خودش خارج شده است. به عقیده من، نقاش می‌تواند به جای آن‌که چیزی را تصویر کند، اصل آن را بگذارد، مثلاً حتی آدم زنده را.

● به همین دلیل است که در زمینه گنج و گستره فعالیت می‌کنید؟

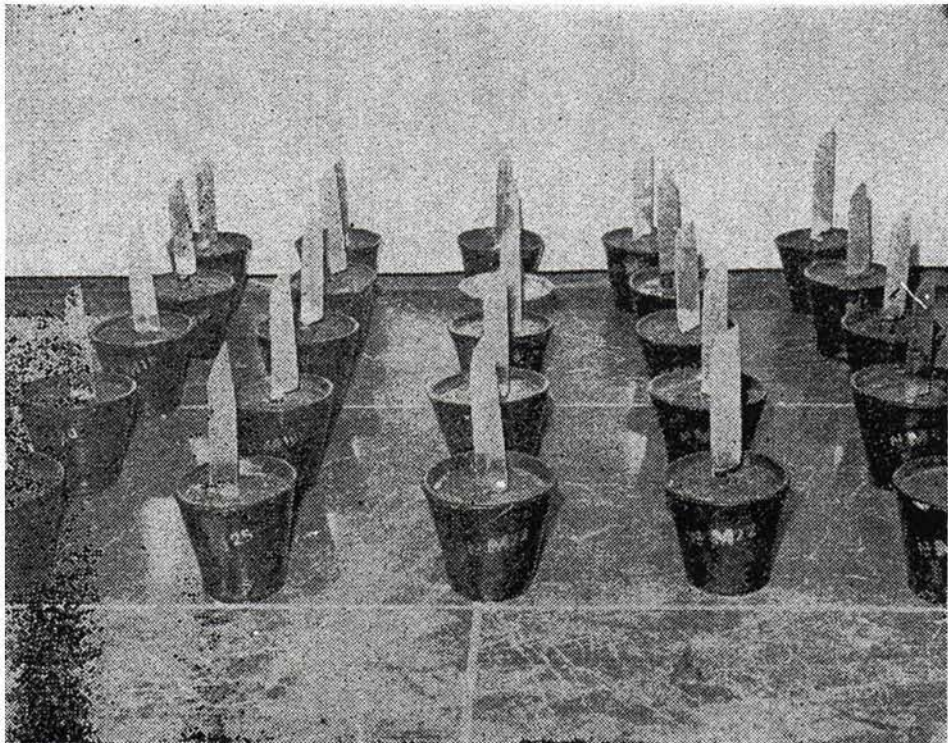
حاتم: به این دلیل کارم در زیر عنوان گنج و گستره جا می‌افتد.

● فکر می‌کنید نتیجه‌اش مثبت بوده؟

حاتم: به نظر خودم خیلی، بعضی‌ها سوال می‌کردند که این چیست، ولی برای خیلی‌ها هم خوشایند بود.

● فکر می‌کنید برای مردم قابل درک بوده است؟

حاتم: امیدوارم، اما خیال نمی‌کنم. مردم بیشتر دنبال چیز پیچیده‌تری می‌گشتند و وقتی به کسانی که سوال کرده بودند، توضیح دادم که من به جای آن‌که بکشم، این‌ها را زنده نشان داده‌ام، راضی شدند.



اتر مرتضی ممیز در نمایشگاه گنج و گستره ۲



مارکو در حال اجرای انرش در نمایشگاه گنچ و گستره ۲